دورهٔ چهاردهم قانون گذاری — جلسه ۱۲ — شمارهٔ مسلسل - ۱۲۶۹

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز شنبه ۱۲ فروردین ماه ۱۳۲۳ ☆

فهرست مطالب :

۱ - تصویب صورت مجلس
۲ - اجرای مراسم تحلیف از طرف ده نفر از آقایان نمایندگان
۳ - بقیه مذاکره و تصویب گزارش شعبه درخصوص نمایندگان طهران
۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

(مجلس پنجاه دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای ملك مدنی (نایب رئیس) تشکیل گردید

صورت مجلس روز پنجشنبه ۱۰ فروردین ماه را آقای طوسی (منشی) قرائت نمودند ☆☆

[۱ - تصویب صورت مجلس]

نایب رئیس - درصورت مجلس نظری نیست؟

گفته شد خیر ؟ صورت مجلس تصویب شد

فرخ - بنده عرضی دارم

نایب رئیس - درصوت جلسه است

فرخ - خیر

[۲ - اجرای مراسم تحلیف از طرف ده نفر از آقایان نمایندگان]

نایب رئیس - پس بماند برای بعد از مراسم تحلیف شروع میشود باجرای مراسم تحلیف

در اینموقع باحترام آوردن کلام‌الله مجید عموم حضار قیام نمودند و آقایان ذیل در محل کرسی خطابه حاضر و در حضور کلام‌الله مجید بشرح پائین قسم‌نامه را قرائت و امضاء نمودند

من که در ذیل امضاء مینمایم خداوند را بشهادت میطلبم و بقرآن مجید قسم یاد میکنم مادام که حقوق مجلس و مجلسیان مطابق قانون اساسی محفوظ و مجری است تکالیفی را که بمن رجوع شده است مهما امکن با کمال راستی و درستی و جدوجهد انجام داده و نسبت باعلیحضرت شاهنشاه متبوع عادل مفخم خود صدیق و راستگو باشم و باساس سلطنت و حقوق ملت خیانت ننمایم و هیچ منظوری نداشته باشم جز فوائد و مصالح دولت و ملت ایران

آقایان: افخمی - اسعد - تربتی - خلیل دشتی - فرمند اقبال - فرمانفرمائیان - مظفرزاده - صفوی - جلیلی بزدی

نایب رئیس - باموافقت آقایان بقیه مراسم قسم را بجلسه بعد موکول میکنیم

☆ عین مذاکرات مشروح دوازدهمین جلسه از چهاردهمین دورهٔ قانون گذاری (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

ادارهٔ تندنویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده

غائبین بی‌اجازه - آقایان : سلطانی - کفائی - مؤید قوامی - دهستانی - فداکار ، صمصام

(دراینموقع باحترام بردن کلام‌الله مجید عموم حضّار قیام نمودند)

نایب رئیس ـ چند نفر از آقایان قبل از دستور اجازه خواسته‌اند (نمایندگان ـ دستور دستور) آقای اردلان

اردلان ـ اجازه بفرمائید اجازهٔ آقایان محفوظ بماند وبعد مذاکره شود (صحیح است)

فرخ ـ بنده اجازه خواستم

نایب رئیس ـ با دستور اگر مخالف هستید بفرمائید

فرخ ـ خیر تذکری داشتم

نایب رئیس ـ آقای دکتر شفق

دکتر شفق ـ بنده راجع بآئین سوگند تذکری داشتم

نایب رئیس ـ اگر وارد دستور شده ایم دیگر موردی ندارد چون مجلس موافقت نمیکند قبل از دستور مذاکره شود چند نفر دیگرهم قبل از آقا هستند بنابراین وارد دستور میشویم با دستور که مخالف نبودید ؟

دکترشفق ـ خیر

نایب رئیس ـ آقای فرود نظری دارید ؟ .

فرود ـ اشخاصی قبل از بنده مطالب را بعرض مجلس رسانیدند بنده دیگر عرضی ندارم .

[۳ ـ بقیه مذاکره وتصویب گزارش شعبه درخصوص نمایندگان طهران]

نایب رئیس ـ آقای اقبال

اقبال ـ بنده بعد از یك نفر موافق عرضی دارم

نایب رئیس ـ آقای نراقی شما مخالف هستید ؟

نراقی ـ بنده باخبر شعبه موافقم بنده با گزارش شعبه راجع بانتخابات تهران کاملا موافقم ویکی ازعملیات مشعشع ودرخشان این مجلس میدانم وخیلی خوشوقتم که یك چنین گزارش جالبی از یکی از شعبه ها آمده وخیلی متأسفم که مسائل بامقتضیات مخلوط میشود این بواسطه تنزل اخلاقی است که در ما ایجاد شده و بحث جداگانه ای دارد اگر کسی از انتخابات تهران انتقاد کرد حمله بانجمن نظارت تهران یا شخص آقای طباطبائی نیست ایشان یك مقام بزرك اجتماعی دارند که مورد پسند وتقدیر همه اهل تهران هستند وعلامتش هم اینست که درشهر تهران پانزده شانزده هزار رأی داشتند وفعلا هم بر مسند ریاست مجلس جلوس کرده‌اند این علامت احساساتی است که از مردم نسبت بایشان بروز کرده است وقتی از انتخابات تنقید شد نباید ایشان نزول کنند و از کرسیشان پائین بیایند احساساتی بخرج بدهند و خواسته باشند یاقصور شخصی . با منطق وبیان یك سهو یك اشتباه یا یك خطاهائی که شده است بمجلس یا مملکت تحمیل کنند دون مقام ایشان است تعصب بیك کاری که شده است انجام بدهند (یکی ازوکلاء اینطورنیست) توجه کنید آقا ایشان مرد شایستهٔ هستند از افراد بزرك کشور هستند وهمه نسبت بمقام معنویت و روحانیت و علمیت ایشان ایمان داریم و از وجود ایشان در مجلس استفاده میکنیم و افتخار هم میکنیم اما راجع بموضوع انتخابات تهران چند نفر ازآقایان مخصوصاً آقای دولت آبادی فرمودند که با سرعت و عجله انتخابات سایر قسمت ها را گذراندیم چرا آنقدرحرف در بارهٔ انتخابات تهران میزنیم که حد ندارد بنده میخواهم خدمتشان عرض کنم که انتخابات تهران باسایرجاها خیلی فرق دارد اگرچه وکیل تهران باسایروکلاء امتیازی ندارد همه در یك صف می نشینند وهمه مساوی هستند و از حیث اختیارات قانونی امتیازی ندارند وهمه بیك نسبت ودویه رأی میدهند وآرائشان مساوی است اما شهرطهران غیرازولایات است شهر طهران هشتصدهزار جمعیت دارد صد هزار نفرمرد وزن با سواد دراینشهر سکونت دارد شش هزار نفر دیپلمه ولیسانس در این کشور است دانشگاه کشور دراین شهر است دانشجویان کشور در اینجا هستند تمام رجال سیاسی مملکت در اینجا ساکن هستند وناظر انتخابات هستند کسی که از تهران منتخب میشود منتخب ایران است وکیل تمام ملت ایران است .

همه وقت در انتخابات آزاد بزرگترین پاداشی که ازطرف ملت ایران به اشخاص داده میشده این بوده که همگی از افراد لایق برجسته وطن پرست انتخاب میشده است اشخاصی مانند آقای مستوفی الممالك انتخاب میشده که اولین فرد برجسته لایق فداکار کشور بوده است خوشبختانه

ایندوره همین عمل انجام شده است وما ازانجمن تهران ممنونیم که تا اندازه‌ای این سیره را حفظ کرده‌اند و این بواسطه فداکاری و شخصیت آقای طباطبائی است والا اگر فداکاری و شخصیت ایشان نبود ممکن بود که همه صندوقهای تهران ازش همان نتیجه صندوق لواسانات بدست بیاید اما فداکاری ایشان و فداکاری انجمن نظار بود که نگذاشت آن لیست گذائی که تنظیم شده بود موفقیت حاصل شود از این قسمت ها میگذریم و از انجمن نظار حرفی نمیزنیم عرض کردم آقایان تعصب بخرج ندهند برای اینکه تمام تصمیماتشان تا آخرین نقطه بموقع اجراء گذارده شود ولی عرض کنم در تهران انتخابات بوضع بدی انجام شده بنده خودم درحوزه قنات آباد رفتم رأی بدهم یکساعت مرا نگه داشتند و خدا میداند که در ظرف این یکساعت که پنجاه نفر آمده بودند یکنفر نبود که بپای خودش آمده باشد همه را گله گله میآوردند آرائشان در یك دستشان بود کوپن و سجلشان در دست دیگرشان بود یکی از عمال شهرداری از این سرسپور ها دیدم که یك دسته راآورده بود وآراء متعدده پیچیده‌ای در دستش بود .

امیر تیمور ـ در کجا

نراقی ـ در حوزه قنات آباد میخواست خودش یك دسته آراء را بریزد درصندوق نمیدانم از من ملاحظه کردند یا سیره آنها اینطور بود چند تا رأی پیچیده که در دستش پر بود خواست بریزد در صندوق مخالفت کردند و مدتی هم آن شخص را ملامت کردند این عملیات که در شهرتهران انجام میشد خیلی اهمیت دارد عرض کردم که تمام افراد دانشجوی مملکت در اینجا هستند دانشگاه در تهران است توجه بفرمائید که این عملیات چه تأثیری در روحیه این جوانان میکندوقتیکه میبینند با بزرگترین حقوق ملی اینطور بازی میشود مجلس شورای ملی دووظیفه دارد یکی وضع قوانین یکی دیگر نظارت در اجراء قوانین ما از وزراء مؤاخذه میکنیم که آقا چرا فلان کار زشت را کردید چرا وظیفه خودتانرا انجام ندادید آیا آن ها حق ندارند که بما بگویند یا لااقل بخودشان میگویند که انتخابات باین افتضاحی انجام شد وچطور انتخابات تهران را ماست‌مالی کردید و انتخابات را از بین بردید این است که باید رعایت این نکات را کرد سکته باخلاق عمومی وارد نکرد جوانهای ما دیده‌اند و این جریانات را ناظر بوده اند حالا اگر ما بواسطه چند مهره سفید بپوشانیم و این معایب را رفع کنیم شرمنده هستیم پیش این ملت وپیش آیندهٔ این کشور جوانان آینده این کشور از ما مؤاخذه میکنند من معلمم باآنها محشورم همه این احساسات را دارند و بنده از آنها شنیده‌ام خوشبختانه صندوق لواسانات هم که این همه مفتضح است دخالت درانتخابات تهران ندارد توجه بفرمائید ۱۲ نفر اول ابداً اتکاء باین صندوق لواسان ندارد کنار رفتن آقای مؤتمن‌الملك نوبت بنفر سیزدهمی رسیده است که او علاقمند بصندوق لواسان است یعنی صندوق لواسان در نفر سیزدهم مؤثر واقع شده است ولی در تعیین دوازده نفر اول هیچ مؤثر نیست نفر چهاردهم که برای ما مصنوعاً ساخته‌اند اوهم صندوق لواسان در وجودش تأثیر دارد وقتیکه یك صندوقی تأثیرش اینقدر کم باشد و درعمل و در حقیقت آنقدر سست باشد و آنقدر رسوا باشد چرا تعصب بخرج دهیم برای حفظ و جابجا کردن این صندوق این است که بنده تمنا دارم آقایان یك مقداری خودشان اخلاق و سیره و شأن مملکت و مجلس را رعایت بفرمایند تعصب زیادنشان ندهند یکقدری روی حفظ حقیقت و راستی و حقیقت خواهی پیش بروند تشویق بکنند این جوانهائیکه در مملکت هستند و آماده جلو آمدن هستند بآنها حالی کنیم که بایدبدنبال حقیقت برویم و هر کس تجاوز کند جلویش را میگیریم بنده میخواستم بپرسم این همه پرونده‌های جزائی که درباره انتخابات تهران تشکیل شد بکجارسید کو آن پرونده‌ها ؟ این همه ما شنیدیم که درانجمن‌ها رأی خری میشد رأی فروشی میشد تقلب میشد بدادسرا مراجعه میشد نتیجه رسیدگی یکی از آنهارا ندیدیم چه شد آقایان هنوز نشنیده‌اند که دراین شهر کوپن چاپ کردند ؟ وخروار وخروار شناسنامه آوردند ؟ و تهیه کردند و

هم چنین از ولایات شناسنامه آوردند و مورد استفاده قرار دادند ؟ از نتیجه رسیدگی آنها ابداً اثری درپرونده‌ها نیست اینها چیزهائی نبود که بشود تکذیب کرد و بشود منکر شد چون مردم روزنامه رامیخواندند عرض کردم جریان انتخابات تهران قابل تحمل کردن نبود همهٔ مردم دیده‌اند وناظر اعمال هستند دیگر آنچه راکه میخواستم بعرض برسانم راجع بآقای فیروزآبادی است آقای فیروزآبادی نماینده مسلم تهران هستند دوازده هزارنفر موکل مشخص معین دارد ایشان نه پول داشته‌اند که خرج کنندو نه زور داشته‌اند پس ایشان وکیل حقیقی ملت است وآمدن ایشان برشأن مجلس میافزاید چون موکلین حقیقی دارد وقتیکه این وکیل واقعی آمد بمجلس برشأن و امتیاز و حیثیت این بنگاه میافزاید (یکی از نمایندگان ـ اینجا بنگاه نیست) چون وکیل تهران و وکیل حقیقی و قانونی ملت است وقتیکه بنده گزارش منطقی شعبه راخواندم تعجب کردم که با این دلایل منطقی که درگزارش هست چرا روی آن بحث میکنند معلوم میشود که بعضی ازآقایان اینقدر بخود زحمت نداده‌اند که گزارش را مفصل بخوانند سن ایشانرا چه جور حساب میکنند وچه جور تشخیص داده‌اند اگر یك کسی گفت که من در سال ۱۳۰۰ بدنیا آمده‌ام یعنی در روز معینی بدنیا آمده‌ام ؟ الان اگر طفلی بدنیابیاید روز و ماهش را معین میکنند اماوقتیکه دفاتر سجل احوال درسالهای ۱۲۹۷ و ۱۲۹۸ برپاشد اشخاص میآمدند وآنوقت میگفتند که ماسی سال و چهل سالمان است یامتولد فلان سال هستیم آقای فیروزآبادی هم روی آن سیره در ۱۲۹۸ رفته‌اند و گفته‌اند که من متولد سال ۱۲۵۲ هستم وقتیکه متولد ۱۲۵۲ بود یعنی از روز اول ۱۲۵۲ تا آخر اسفند آنسال احتمال دارد تولد شده باشد قدر مسلم چی است ؟ قدر مسلم آنستکه تا پایان اسفند را ملاك قرار دهیم اگر روز ۲۹ اسفندهم بدنیا آمده بود میگفتند متولد سال ۱۲۵۲ و اگرهم اول فروردین بدنیا آمده بود بازهم میگفتند متولد سال ۱۲۵۲ است محکمه چه جور رأی میدهد یك قاضی چه جور رأی میدهد ؟ وقتیکه یك کسی گفت من متولد سال ۱۲۵۲ هستم برایش فکر میکنند که قدر مسلم و قدر متیقن است که پایان اسفند آن سال بدنیا آمده است در قانون انتخابات مینویسد که منتخب نباید سنش ازهفتاد متجاوز باشد ۱۲۵۲ با ۷۰ سال جمع بشود میشود ۱۳۲۲ پس در پایان سال ۱۳۲۲ یعنی روز آخر اسفند ۱۳۲۲ میشود گفت بحضرت عباس این سنش متجاوز از هفتادسال نیست وازسی ام اسفند به بعد میشود گفت متجاوز ازهفتاداست وهرکس غیر از این بگوید غلط است مطابق حساب صحیح اینست حساب دیگر جنك و دعوی درش نیست حساب را دیگر کسی نمیتواند منکر شود در سال ۱۲۵۲ بدنیا آمده است ۷۰ سال هم که با آن جمع بشود میشود ۱۳۲۲ وقتیکه ما در سن دقت کنیم تا روز آخر اسفند ۱۳۲۲ هیچکس نمیتواند بگوید که آقای فیروزآبادی متجاوز از هفتاد سال دارد بله توی هفتاد سالکی است ولی متجاوز از هفتاد سالگی نیست و هرکس غیر از این اظهار را بکند یا مغرض است یا فریب خورده است بنده عرض میکنم که انجمن در اینجا یك سهوی کرده است یك اشتباهی نموده است حالا چرا تعصب بخرج داده شیخ صدوق علیه‌الرحمه فرموده همه کس ممکن است مورد سهو قرار بگیرد حتی انبیاء هم ممکن است مورد سهو قرار گیرند یعنی انبیاء ممکن است بجای چهار رکعت سه رکعت نماز بخوانند این چیزی نیست که بآدم بربخورد بگویند آقا شما سهو کردید اشتباه کردید نباید دیگر تعصب بخرج بدهند این آقا روی حساب دقیق و صحیح ریاضی وحساب منطقی که درتمام محاکم دنیا وایران معمول ومجری است وقتیکه گفتند سال ولادت کسی ۱۲۵۲ است قدر مسلم این است که آخرین روز آن سال راجزو تولد حساب میکنند پس بنا بر این بطور تحقیق اول فروردین ۱۳۲۳ را میشود گفت متجاوز از هفتاد سال است اما موقع صدور اعتبار نامه دیماه بود آنوقت متجاوز از هفتاد سال نداشت که اعتبارنامه اش رد شود هر استدلال دیگری که بکنند درمقابل این نص صریح بلااثراست حالا ادله دیگری هم هست این است که دست و پاهائی شده است در آنموقع

از اداره آمار یاد داشت هائی گرفته‌اند بعد از مدتی روی آن نوشته اولیه انجمن اعتبارنامه نداده‌است بعد که تکذیب کرده‌اند ومورد بحث شده بلا اثر کرده‌اند حالا نمیخواهیم وارد آنها بشویم آیا محکمه چه حق داشته است خودش دلیل تهیه بکند هیچ انجمن حق تهیه دلیل ندارد انجمن نظارت چرا رفته است تهیه اسناد کرده است و اتکاء بآن سند کرده است این ایرادات را دیگر نمیخواهم بکنم بهر جهت روی این حساب دقیق هیچ ایرادی بسن آقای فیروزآبادی نیست (قبادیان ـ منظور سال قمری بوده است) خیر بنده سال شمسی را حساب کرده‌ام که حساب رسمی مملکت است هیچگونه ایرادی نیست حالا از نقطه نظر روانشناسی اگر چند صباحی هم ازعمرش گذشته است ما اینقدر دقیق شده‌ایم در مقررات و در قانون که یك آدم موجهی راکه ملتی در طهران پشتیبانش بوده برای چند صباهی که ازعمرش گذشته موهومش میکنیم و کنارش میگذاریم ومجلس را موهون میکنیم ازنظر افراد طهرانی این راکه بنده شایسته نمیبینم و از همکاران محترم خودم تمنا میکنم که سعی بفرمایند و توجه به حیثیت و عظمت و حکومت ملی را مقدم بررعایت احساسات شخصی قرار بدهند بنده هم شخصاً نظری بآقای تهرانی ندارم و تماسی با ایشان ندارم

تهرانی ـ بنده‌را بگذارید کنار بنده نظری ندارم

نراقی ـ بنده بانفر سیزدهمی هم بخدا قسم تماسی ندارم اما فکر میکنم بااین جریاناتیکه همه مردم طهران دیده‌اند وناظرش بوده‌اند بخصوص طبقه جوان و طبقه دانشجو و دانش آموز تهران که شاهد بوده‌اند جریان انتخابات تهران را و این موضوع را در مجلس سهل انگاری بکنیم و بیائیم ناروا رأی بدهیم و هیچگونه بشکایات و ایرادات مردم نرسیم از اعتبار مجلس کاسته‌ایم عرایضم همین بود

نایب رئیس ـ آقای اقبال

اقبال ـ بنده باید عرض کنم که یك قسمت ازفرمایشات همکار محترم آقای نراقی یکقدری باهم تناقض دارد بنده یادم هست آنروزیکه برای تعیین تکلیف انتخابات تهران جلسه خصوصی شد آنجا صحبت شد که یك ترتیباتی داده شود که این کار در مجلس بجار و جنجال نکشد آقای نراقی آنجا بلند شدند و گفتند که انتخابات تهران هم مثل سایر نقاط مملکت است و وکلای تهران هم با سایر نقاط فرقی ندارند و تمام نمایندگان نماینده ملت ایران هستند اما امروز در پشت تریبون میفرمایند که وکلای تهران غیر از سایر نقاط مملکت است در صورتیکه در نظر مجلس بین آقای مؤتمن الملك وهیچیك از آقایان از جهة وضع ونظارت در اجرای قوانین امتیازی نیست وهمه وکیل ملت هستند و نماینده مملکت میخواستم این را در مقدمه عرض بکنم که بعقیده بنده انتخابات تهران در این دوره از حیث نتیجه بسیار خوب بود البته وقتیکه انتخابات تهران میخواست شروع بشود انتشاراتی دربین مردم بود که اشخاصی پیوسته دسته بندی کرده‌اند که میخواهند انتخابات تهران را بنفع خودشان ببرند و این واقعاً موجب نگرانی بود که اشخاصی بتوانند بصرف داشتن پول بمقدس ترین حقوق ملت دخالت کنند و وقتیکه نتیجه انتخابات تهران معلوم شد وحقیقةً نمایندگان شایستهٔ ازتهران انتخاب شدند مانند آقای مؤتمن الملك . آقای دکتر مصدق . آقای آقا سید محمد صادق طباطبائی خود این آقای فیروزآبادی اینها از اشخاصی هستند که طرف اعتماد و اطمینان ملت ایران هستند وما کمال تأسف را داریم واینجا باید بگوئیم که آقای مؤتمن الملك نتوانستند یا نخواستند گمان میکنم همان نتوانستند صحیح باشد که بواسطه کسالت مزاج نتوانستند در مجلس حاضر شوند اما راجع بآراء لواسانات بنده این را در مجلس عرض میکنم ودر حضور تمام آقایان ارباب جراید ودرحضور ملت ایران چون بعقیده بنده هیچ چیزی رانباید پنهان کرد ودرمجلس باکمال صراحت وآزادی و کلاء عقاید خود را باید اظهار بکنند بنده آقای باتمانقلیج را هیچ نمیشناسم فقط یکدفعه در چند روز پیش در یك مهمانی بقدر نیمساعت در آنجا بودند با ایشان آشنا شدم به بنده تلفن کردند و گفتند که میخواستم عقیدهٔ شما را راجع به آراء لواسان بدانم بنده با کمال صراحت بایشان عرض کردم

که آراء لواسان هم مثل سایر حوزه های طهران است اگر شما که آقای بانمانقلیج هستید یادیگران مدعی هستید که آراء لواسان غلط است اگر بگوئید تمام آراء طهران غلط است شاید این مطلب قدری بیشترمورد نظر باشد تا این که بگوئید آراء لواسان فقط غلط است آراء لواسان از آراء قنات آباد بدتر نیست آراء لواسان از آراء شمیران بدتر نیست از آراء حوزه‌های دیگر بدتر نیست. امامطلبی که بعقیدهٔ بنده خیلی جالب توجه است این خبر شعبه است راجع بانتخابات طهران شعبه برای اینکه نظرخودش را پیشرفت بدهد واین نظر را از مجلس بگذراند دوموضوع دیگر را درضمن خبر اعتبارنامهٔ آقای دکتر مصدق به مجلس گزارش داده است و به خیالش خواسته است مجلس را در امپاس بگذارد که اگر یك کسی مخالفت کرد بگویند که این آقا با اعتبارنامه آقای دکتر مصدق مخالفت کرده است بنده عرض میکنم اگر کسی واقعاً پیدا شود که با اعتبارنامه آقای دکتر مصدق مخالف باشد با کمال صراحت مخالفت خودش را خواهد کرد وازاین حرفها هم بیم ندارد. در موضوع آراء لواسان آنروز آقای امینی بیاناتی فرمودند و آقای مخبر هم دفاعهائی فرمودند که بعقیدهٔ بنده هیچکدام از آن بیانات ودفاعها وارد نبود فرمودند که رئیس ژاندارمری کرج اظهاراتی کرده است بعد همان رئیس ژاندارمری رفته است در ادارهٔ روزنامه گفته های خودش را تکذیب کرده است و آن چیزهائی را که باو نسبت داده‌اند گفته است من خبر ندارم و نمیدانم در آراء لواسان کی مخالفت کرده است و یك کسی هم شکایاتی نسبت به آراء لواسان کرده است وبعد معلوم شد ومطلع شدیم که آن کسی را که آقای امینی فرمودند یك نسبت دوری با ایشان دارند واقعاً در تمام این موارد یك چیزهائی است که نباید از جاده حقیقت وانصاف خارج شد بنابراین بنده معتقد هستم که اگر آراء لواسان خیلی صحیح نیست مثل آراء سایر حوزه های طهران است. این جا صحبتی از آقای فیروزآبادی شد بنده باید عرض کنم که آقای فیروزآبادی در این مملکت معروف به صحت عمل هستند وتمام مردم بایشان ارادت دارند و یکی از اشخاصی که بایشان ارادت کامل دارد خود بنده هستم وجای تردید نیست که یکی از طبیعی ترین رائی که مردم طهران داده‌اند همین رائی است که به آقای فیروزآبادی داده اند ولی اینجا مجلس شورای ملی است و ما باید برای دیگران سرمشق احترام واجرای به قانون باشیم اگر آقای فیروزآبادی هفتادسال دارند اگر سنشان بالغ بر هفتادسال است بموجب قانون بموجب ماده ۱۲ قانون انتخابات ایشان از حق انتخاب شدن محرومند واگر ندارند البته ایشان باید بمجلس تشریف بیاورند وقدم ایشان روی چشم ما است ولی ما باید سعی کنیم که این مطلب روشن شود ضمن صحبت‌ها بعضی از آقایان بیان کردند ودرخارج هم میگفتند که این موضوع در مجلس سابقه دارد که آدمهای هشتاد ساله هم درمجلس بوده‌اند بنده خواستم عرض کنم اگر کار غلطی در سابق شده باشد این مجوز کار های غلط دیگری نیست بنده تصور میکنم تذکری که میدهند راجع بآقای حاج محتشم‌السلطنه است و بنده این موضوع را میخواستم حالا روشن کنم آقای حاج محتشم‌السلطنه در اول دوره سیزدهم خودشان شرحی بوزارت کشور مرقوم داشته بودند که من سنم ازهفتاد سال بیشتر است بنابراین بموجب قانون نمیتوانم وکیل باشم و از ادامهٔ خدمت مجلس معاف هستم وزارت کشورهم این مراسله را به مجلس فرستاد و نمایندگان مجلس جمع شدند و باتفاق آراء رأی دادند که از نظر مصلحت سیاسی مملکت که آن روز در پیش بود اینطورمصلحت دانستند که ایشان به مجلس بیایند و حالا شما این مطلب را نباید دلیل قرار بدهید برای امر دیگری که ابداً مربوط به مصلحت سیاسی مملکت نیست و از این گذشته اگر آقای فیروزآبادی خودشان یا طرفدارانشان می‌آمدند اعتراف میکردند که سن آقای فیروزآبادی از هفتاد سال بیشتر است ولی مقتضی است و مصلحتی در پیش است و ما خواهش می کنیم که ایشان بیایند به مجلس آن یك مطلب علیحدهٔ بود ولی الان سن آقای فیروزآبادی مورد اختلاف است و الان موضوع سن ایشان در محکمه مطرح است اگر سن ایشان هفتاد سال تمام نبود چرا ایشان به محکمه عرضحال میدادند؟ فعلاً مدرك ما چیست؟ مدرك ما فعلاً همان شناسنامه واظهارنامه

اداره سجل احوال است واقعاً فعلاً برای آقایان نمایندگان مجلس مطلب روشن نیست بنده اگر بدانم که سن آقای فیروزآبادی واقعاً هفتادسال بیشتر نیست باور بفرمائید که هم خودم و هم تمام رفقا با کمال میل بایشان رأی میدهیم که به مجلس تشریف بیاورند این جا خصوصیتی با آقای طهرانی درکار نیست ایشان یك شخصی هستند آزادیخواه و آزاده و سوابق آزادیخواهی که در این مملکت دارند همه میدانند و همه کس بایشان احترام میگذارد ولی بنده با کمال صراحت میگویم که اگر سن آقای فیروزآبادی هفتاد سال نیست ایشان باید محل را به آقای فیروزآبادی واگذار کنند ولی اگر سن آقای فیروزآبادی متجاوز از هفتاد سال است نباید در یك مطلب خلاف قانونی آنقدر پافشاری کرد مجلس باید رعایت و احترام قانون را بدیگران نشان بدهد و نشان بدهد که به قانون عمل میکند. آنروز آقای قبادیان صحبت‌هائی فرمودند راجع بآقای فیروزآبادی و از مناقب ایشان بیاناتی فرمودند البته این مطالب مورد اشکال نیست و همهٔ مردم این‌را قبول دارند وبنده خواستم از این موقع استفاده بکنم و با تأیید فرمایشاتی که از کار های خیرایشان شد یك چند کلمهٔ عرض کنم راجع به کارهای خیر ایشان و ضمناً از ایشان تقاضائی بکنم. آقایان میدانند که در دونوبت که ایشان نماینده بودند حقوق ازمجلس نگرفتند و وقتی هم که در مجلس بودند و از مجلس تشریف بردند وجوه و اعانه هائی هم دیگران دادند و با این اعانه ها مریضخانهٔ ساختند و البته این اقدام ایشان و این اقدام جوانمردانهٔ ایشان موجب این شد که دولت تشویق شد و تا آن درجهٔ که بنده اطلاع دارم دولت تا این تاریخ پیش از یك میلیون تومان از بودجهٔ عمومی مملکت خرج این مریضخانه کرده است (صحیح است) این مریضخانه مال ملت ایران است این مریضخانه ملك کسی نیست مکرر به آقای فیروزآبادی عرض شد آقا حضرتعالی که واقعاً نظر خیر دارید ملکیت زمین مریضخانه را هم بدولت منتقل کنید حتی در کمیسیون بودجه در قانون متمم بودجه سال ۱۳۲۱ یك مادهٔ گذاشتیم که برای استحضار خاطر آقایان قرائت میکنم. (ماده ۳۱ ـ وزارت بهداری مجاز است تمام یك قطعه باغ معروف به پوستی واقع در کنارجادهٔ ورامین را به ملکیت آقای فیروزآبادی به رایگان واگذار نماید و آقای فیروزآبادی هم اراضی زیر را که مجموع آنها ۴۷۳۵۷/۳۵ متر مربع میباشد بنام بیمارستان فیروزآبادی وقف مؤبد خواهد نمود ـ زمین بیمارستان فیروزآبادی ـ تمام زمین سمت غربی بیمارستان ـ زمین محل موتورخانه برق) ....

دکتر معظمی ـ خودشان وقف کرده اند با قانون که نمیشود کسی‌را ملزم کرد چیزی‌را وقف کند.

اقبال ـ آقا اجازه بفرمائید توضیحات و عرایض بنده تمام شود. اصلاً چرا مجلس این کار را بکند و چرا کمیسیون متوجه این عمل شد؟ وقتی که در اطراف عملیات خیرخواهانه وعملیاتی که آقای فیروزآبادی با کمال حسن نیت انجام میدادند این تأمل در انتقال مالکیت اراضی مریضخانه یکقدری موجب حرفهائی شده بود (دکتر معظمی این مطالب خارج ازموضوع است) خارج از موضوع نیست دنبالهٔ بیانات آقای قبادیان است. خلاصه این ماده یك قسمتش اجرا شد یعنی تصرف باغ پوستی از طرف آقای فیروزآبادی بعمل آمد ولی قسمت دومش اجرا نشد. در دو سه ماه قبل آقای سهیلی نخست وزیر با آقای یمین اسفندیاری رفته بودند بمریضخانه برادر من هم که معاون وزارت بهداری است آنجا بوده است جمعی دیگر از آقایان هم بوده اند آنجا در این موضوع صحبت شده بود و آقای یمین اسفندیاری اصرار کرده بودند که آقا شما که واقعاً بانی خیر شده‌اید وشما که یك چنین مرد بزرگواری هستید خوب است که این اراضی را واگذار کنید که این حرفها تمام شود آقای فیروزآبادی فرموده بودند که من حاضرم منتقل کنم وزارت بهداری یکنفر را وکالت بدهد که این عمل انجام شود آقای یمین اسفندیاری داوطلب شدند که این کار را تمام کنند و وکالت هم بایشان داده شد که با آقای فیروزآبادی بروند در یکی ازمحاضر واین امر را انجام دهند

وتصور میکنم تابحال دراین امر موفق نشده‌اند درصورتیکه خیلی مشکل است آقای یمین اسفندیاری یك کاریرا تصمیم بگیرند و موفق نشوند. (خنده نمایندگان) عرض کنم که چند روز پیش هم شنیدم که یکنفر دیگر که گویا آقای حاج میرزا علینقی کاشانی بوده است یا یکنفردیگربا ایشان صحبت کرده بودند وضمن گله و گله گذاری گفته‌بودند که این کار خوب است تمام شود آقای فیروزآبادی گفته‌اند که من منتظرم که سند مالکیت بگیرم و بعد واگذار کنم در صورتیکه نگرفتن سند مالکیت اشکالی ندارد وآقای فیروزآبادی اعم ازاینکه ورقه مالکیت گرفته باشند یانگرفته باشند این کار را باید بکنند . . .

جمعی از نمایندگان ـ این مطالب خارج از موضوع است .

نایب رئیس ـ از سنشان صحبت بفرمائید .

اقبال ـ بنده فقط خواستم این‌جا از آقای فیروزآبادی خواهش بکنم که این کار را بکنند . آن روز آقای امینی ضمن صحبت هائی که فرمودند یك مطلبی را فرمودند که بنده خواستم جواب عرض کنم وآن راجع به رأی مخفی بود و ایشان اظهار کردند که پیشنهاد رأی مخفی ترتیب داده اند البته تقاضای رأی مخفی مطابق نظامنامه است و هر وقت آقایان نمایندگان میتوانند از هرماده نظامنامه استفاده کنند این که فرمودند رأی مخفی امضا کردن دلیل عدم شهامت است خواستم عرض کنم که ایشان درمورد اعتبارنامه آقای آقا سید ضیاءالدین اولین کسی بودند که تقاضای رأی مخفی را امضا کردند وحالا هم عدهٔ نظرشان این‌است که از این حق قانونی استفاده کنند واین که فرمودند رأی مخفی دلیل عدم شهامت است اینطور نیست چرا ؟ برای این که رأی مخفی فقط برای این است که هر کس رأی خودش را آزادانه بدهد و تحت تأثیر خواهش این و آن واقع نشود و رأی خودش‌را باکمال آزادی بدهد بنابراین این‌امر یك چیز ساده‌ایست و بعد هم فرمودند که اگر اینطور بشود ما اُبسترو کسیون خواهیم کرد البته اُبسترو کسیون و خارج شدن ازمجلس‌را هم هرنمایندهٔ حق دارد ولی اینراهم بدانید که اختلال نظم‌مجلس در دوسیهٔ اوخواهد ماند ودیگرعرضی ندارم .

نایب رئیس ـ آقای دشتی شما که مخالف باخبرشعبه هستید ؟

دشتی ـ بلی بعد از یك موافق .

نایب رئیس ـ آقای طهرانی .

طهرانی ـ عرضی ندارم

نایب رئیس ـ آقای طباطبائی هم که لابد با خبرشعبه مخالفند (طباطبائی ـ بلی بنده هم مخالفم)

نایب رئیس ـ آقای مخبر

دکتر زنگنه (مخبرشعبه اول) ـ آقای اقبال فرمودند که رئیس ژاندارمری تکذیب کرده است بنده درضمن مدافعات گذشته عرض کردم که اول ایرادی که البته هست به رئیس ژاندارمری هم هست واو مأمور حفظ انتظامات بوده است و این شخص که یك چنین شهادتی میدهد که یك مقداری از آن هم برعلیه خودش بوده است لابد فکرعمیق کرده است و بعد چطور شده است که از این فکر برگشته است شاید درتحت یك فشاری بوده است البته هرطور بوده است برگشته است از آن شهادت خودش بهرحال عمل این است که اگر کسی شهادت در یك محکمهٔ داد (اینهم البته یك نوع شهادتی است که در یك محکمهٔ داده است) که یك اقراری است براله خودش و برعلیه دیگران حد اقلش این است که این شخص دیگرشهادتی که داده‌است نمیتواند تکذیب کند و علاوه براین در پرونده تکذیب شهادت را ندیدیم . فرمودند نمایندگان دورهٔ سیزدهم از نظر مصالح کشور مسامحه کردند و سن آقای حاج محتشم السلطنه را با این که زیاد بود قبول کردند ما اینجا کاری بعمل دورهٔ سیزدهم نداریم . اولاً سن آقای فیروز آبادی مطابق حساب صحیح و دلایل منطقی از هفتاد سال بیشتر نیست و اضافه می کنم بهش که همان طور که خود

آقای اقبال فرمودند مصالح کشور دنبالش بوده است ممکن است آن منطق در این جا هم جاری باشد موضوع سن آقای فیروزآبادی را فرمودند که در محکمه مطرح است اولا ما سندی نداریم که در محکمه مطرح است و برفرض اینکه در محکمه مطرح است باز مؤید حرف ما است چون اختلافی که بین سجل احوال و اظهار نامه هست یا اختلافی که بین اداره سجل احوال و هیئت نظارت هست موضوع سن آقای‌فیروزآبادی را قابل تردید میکند یعنی‌موضوعی است که بایستی محکمه رأی بدهد یعنی بگوید که این اختلاف بین ورقه سجل احوال و ورقه اظهارنامه کدام یك معتبر است پس بنا براین تا وقتی که محکمه حکمی‌صادر نکرده است بر خلاف متن سجل احوال رویه قضائی حکم میکند که بایستی همان متن را قبول کنیم و تا وقتی که محکمه نگفته است که سن آقای فیروزآبادی کمتر است یا بیشتر مدرك دیگری غیرازمتن سجل احوال سندیت ندارد وهمانطور که آقای نراقی بطور کامل بیان فرمودند و در راپرت هم بود باید انقضای مدت هفتاد سال را آخر اسفند بگیریم بنا براین در موقع صدور اعتبارنامه سن آقای فیروزآبادی هفتاد سال تمام نبوده است مگر این که بعداً محکمه رأی بدهد وآنهم البته در وضعیت اعتبارنامه ایشان دخالت ندارد بجهت این که ایشان قبل‌از صدورحکم محکمه اعتبارنامه بهشان داده شده وازتصویب مجلس‌شورای ملی میگذرد و حکم محکمه هم عطف بماسبق نمیکند راجع بآن قسمتی که فرمودند آقای اقبال که بنده لازم نیست جواب عرض کنم چون علت منطقی و قانونی نداشت که اگر آقای‌فیروزآبادی یاطرفدارانشان می آمدندخواهش میکردند صورت دیگری داشت این مطلب ازموضوع بحث ما خارج است موضوع اعانه ومریضخانه وزمین مریضخانه هم مورد بحث دراین جا نیست‌فرض کنیم آقای فیروزآبادی قول داده اند که یك‌زمینی‌را به بخشند یاوقف کنند ونکرده‌اند بنده حالا وارد آن نمیشوم فرض قوی میگیریم که ایشان این کار را نکرده اند این گناه یك جرم قضائی و سیاسی نیست که موجب رد اعتبارنامه ایشان باشد (اقبال ـ بنده برای رد اعتبارنامه نگفتم یك خواهشی کردم) البته آن کار بسته بمیل شخص ایشان است ایشان میل دارند که آن ملك را واگذار میکنند یا نمی کنند و انشاء الله می کنند ولی از مورد بحث ما خارج است و ما روی یك مطالب اساسی و حقوقی فعلاً داریم استدلال می کنیم و کاری باین قضایا نداریم . دیروز هم صحبت شد که آقائی باتمانقلیچ گفته‌اند که من شرط بندی می کنم که آراء لواسان بد حساب شده‌است این هم مربوط به بحث درمجلس شورای ملی نیست برای این که وقتی قضیه آراء لواسان در مجلس حل شد اگر دلیل قطعی از انجمن نظارت برای این اختلاف دارند ما قبول می کنیم و اگر ندارند ما قبول نخواهیم کرد مخصوصاً نسبت به سن آقای فیروز آبادی دلایلش بقدری قوی است که بهیچوجه قابل شك و تردید نیست و علاوه براین احساسات عمومی و آراء مردم طهران مؤید این نظر شعبه و گزارشی است که تقدیم شده است .

بعضی از نمایندگان ـ مذاکرات کافی است .

دشتی ـ اجازه میفرمائید ؟

نایب رئیس ـ بفرمائید .

دشتی ـ بنده خیلی میل دارم که مذاکرات کافی بشود ومجلس شورای ملی به بنده اجازه ندهد صحبت کنم برای این که واقعاً هیچ میل ندارم راجع بانتخابات‌طهران صحبت کرده باشم بدو دلیل یکی این که خودم وکیل طهرانم و دفاع شخصی است واین چیزشایستهٔ نیست ومیل داشتم که مجلس شورای ملی بدون اینکه صحبت هائی بشود و یك کسی دفاع کند همانطور که هست پرونده را بگذارد و قضاوت کند و یکی دیگر این که بیکی از دوستانم قول داده بودم که راجع به لواسان و صندوق لواسان حرفی نزنم گرچه موضوع آراء لواسان تغییری در وضعیت انتخابی من نمیدهد ولی این صحبت های زیادی که اینجا شد مرا مجبور میکند که چند کلمه به آقایان عرض کنم وازشان فقط این استدعا رابکنم که انتخابات تهران را

وسیله کشمکش وعصبانیت وتشنج مجلس قرار ندهند. عرض کنم وقتی که من وارد انتخابات تهران شدم (البته خیلی دیر بود) دو قسمت بارز در انتخابات تهران دیدم که یکی از آنها اسباب خیلی امیدواری بود و آنچه که اسباب امیدواری بود و چشم ما را روشن میکرد این بود که در مردم یك احساسات خیلی زیادی بود که مداخله در انتخابات بکنند با نوا، قصاب، معلم شاگرد مدرسه تمام این مردم شبها مجالسی ترتیب میدادند پول خرج میکردند برای اینکه مداخله در انتخابات بکنند و وکیل انتخاب کنند مکرر رؤسای اصناف مجالسی ترتیب میدادند قند و چای مصرف میکردند اشخاص را دعوت میکردند که بروند آن جا راجع بانتخابات صحبت کنند و در منزلشان نطق کنند و مردم هم با یك شور و احساساتی می آمدند و میرفتند بنده با اینکه یکی از عقب افتادگان بودم نهایت از اهالی طهران شرمنده هستم و بآنها میتوانم قول بدهم که خدمتگذار واقعی افکار و افراد اهالی طهران باشم و بقدر امکان در وظایف ملی خودم قصوری نکنم برای اینکه یك دسته جوانها و اصناف بطوری با محبت با ما رفتار کردند و زحمت کشیدند که دیدم واقعاً در آنها یك افکاری که ضد حکومت استبدادی است پیدا شده که آنها میخواهند وکیل خودشان را انتخاب کنند و این واقعاً اسباب امیدواری است و اول دلیل رشد ملی است این است که میخواهد کسی را که در نظر دارد انتخاب کند و خودش حکومت کند خوب حالا اگر کج و کوله میرفتند یا اشتباه میرفتند یا اگر کسی خیال میکرد فلانکس که معلم جغرافیای او بوده است او را درس داده است باید او را وکیل کند یا یك کسی خیال میکرد که فلان شخص آجر خوب باو داده است یا پول زیاد دارد باید او را وکیل کند باین چیزها کاری نداریم ولی آنچه مسلم بود این بود که رویهمرفته این فکر روشن در این ملت پیدا شده بود ملت ایران و طهرانیان میخواهند خودشان وکیل انتخاب کنند و بفرستند به مجلس در مقابلش یك فکر دیگری هم بود که این فکر خیلی محل ملاحظه و دقت و مطالعه است و مخصوصاً آقایانی که صاحب رأی و نظر هستند

باید این نکته را مورد توجه واقعاً قرار داد و آن کثرت کاندیدا بود که واقعاً در این مملکت یك تبی پیدا شده بود یك تب دماغی یك حالت صرع پیدا شده بود که همه مردم میخواستند وکیل شوند مخصوصاً روز بروز زیادتر میشد حالا منطق داشت یا نداشت کاری نداریم هر کس میخواست از این حق استفاده کند قانون هم بآنها اجازه داده بود و حقیقةً هم مبارزه تماشائی بود این اجتماع طهران مثل یك دریای متلاطم مواجی که همی بهم میخورد و داد و بیداد بلند میکرد از وجود کثرت کاندیدها و مخصوصاً کاندیدهای قوی. کاندیدها پول خرج میکردند کاندیدها میدویدند کاندیدهائی که صبح تا شب زحمت میکشیدند یك نتیجه پیدا شد و آن نتیجه مراقبت تام و تمام بجریان انتخابات طهران و نظارت کامل بود هر کس از ترس اینکه مبادا دیگری خلاف کند مراقبت میکرد بنابراین نه از نظر اینکه بنده وکیل طهران هستم بنده قول شرف میدهم که انتخابات طهران نه تنها از بهترین انتخابات ایران است بلکه از بهترین انتخابات دنیا است چرا؟ برای اینکه آقایانی که فرنك رفته‌اند و در ممالك دموکراسی بوده اند میدانند که مردم غالباً خودشان نمیروند رأی بدهند و کاندیدا حزبی است اشخاصی که وارد یك حزبی هستند جزو آن حزب هستند رأی میدهند اما در مملکتی که حزب نیست تشکیلات حزبی خیلی ضعیف است و خراب است این طور مردم قیام کردند و زحمت کشیدند و سعی کردند و این امر حقیقتاً اسباب شکر گزاری است برای اینکه اغلب مردم خیال میکردند که از انتخابات طهران اشخاصی غریب و عجیبی بیرون خواهند آمد ولیکن وقتی که نتیجهٔ انتخابات طهران معلوم شد منتخبین کسانی بودند که نه پول داشتند نه زور داشتند البته بعضی هاشان زحمت کشیدند یا بعضی هاشان بوجههٔ ملیشان امیدوار بودند بعضی‌ها هم یك کار های دیگر کردند (خندهٔ نمایندگان).

(زنك نایب رئیس) کارهای دیگر چیز بدی نبود.

یمین اسفندیاری ـ کار های دیگر یعنی رفقایشان بهشان کمك کردند.

دشتی ـ در هر صورت این شکل انتخابات طهران بود فقط یك چیز هست که باید اعتراف بکنیم و آن این است که آقای نراقی فرمودند من هم یاد داشت کردم که

جواب بدهم که آقای طباطبائی آدم خوبی است و انجمن نظار هم خوبست ولی آقای طباطبائی سعی دارند و مقید میشوند که یك سهوی را که کرده‌اند این سهو را به کرسی بنشانند چرا این را اینطور حساب میکنند اینطور حساب کنند که ممکن است ایشان معتقد باشند که سهوی نکرده اند و میخواهند حرف حقیقت خودشان را ثابت کنند چرا حمل بر غرض میکنند چرا حمل میکنند که این عمل آقای طباطبائی معلق بغرض است شاید معلق به پرنسیب واصل شناسی است در ایران، در طهران یك چیزی هست و آن این است که یك کسی که عقیدهٔ داشت بیك کاری. خیال میکند که تمام (مؤین) ها تمام وسائل برای او جمع است این یك اشتباهی است که در طهران همیشه هست و آن این است که من خیال میکنم که وقتی بخواهیم برسیم بیك هدفی باید تمام وسائل را بکار ببریم اما یك وسایلی است که برای اشخاص شایسته نیست (صحیح است) من اگر در صندوق لواسان عقب افتاده بودم هرگز راجع بصندوق لواسان حرف نمیزدم یعنی اگر من در انتخابات لواسان عقب میافتادم شایسته نبود که پا شوم و با انتخابات لواسان مخالفت کنم من این کار را نمیکردم برای چه؟ برای اینکه شایسته نیست وکیل نشدم به جهنم یك دفعه دیگر ممکن است وکیل شوم مردم تعهد نکرده اند که حتماً من وکیل شوم پس بنابراین آدم باید حساب کار خودرا بکند باید هر چیزی یك حدودی را دارا باشد موافقت انسان مخالفت انسان باید در یك حدودی باشد مطابق مصالح اجتماعی و سیاست باشد ما الآن در یك موقعیت خیلی دقیق و بدی واقع شده ایم آلان افق آیندهٔ ما تاریك و مدهش است ما باید برویم با کمال فداکاری و جدیت غرض های کوچك و اختلافات کوچك را بگذاریم و برویم دنبال کار مملکت الآن چندین جلسهٔ مجلس رفته است روی این جور چیز ها که آقای فیروزآبادی آدم خیلی خوبی است آقای طهرانی خیلی آدم خوبی است این حرفها چه چیز است آقایان والله بالله تمام ملت ایران بشما نگاه میکنند الآن خوشگسالی در مقابل ما است خطر تجزیه در مقابل ما است شما خیال میکنید که وکیل بودن چیز مهمی است صحیح است بشرط اینکه وظایفش را خوب انجام دهد. حالا در قسمت انتخابات طهران این مبارزات شدید و رقابت های شدیدی که در بین بود نمیگذاشت که بنده در یك گوشه یك عمل خاصی بکنم یعنی یك عمل خلاف قانونی انجام بشود بنده در انتخابات طهران در همهٔ نقاط وارد بودم البته بطور خیلی معتدل که خودم را نکشته‌ام. من بآن اشخاصی که بدرستی عقیدهٔ من بپاکی فکر من معتقد هستند به آنها قول میدهم که صندوق لواسان با صندوق شمیران فرق ندارد یعنی اگر یك خلاف هائی در صندوق لواسان شده است در صندوق شمیران هم شده است در صندوق جا های دیگر هم شده است اگر هم نشده هیچ جا نشده است همه جا مثل همه جا یك غرض های کوچك کوچك موجب شده است که یك دستهٔ را انفلامه بکنند و دستهٔ را با دسته دیگر مخالف کنند بنده نمیخواهم داخل جزئیات شوم و غرض های کوچك را شرح بدهم شاید بیك اشخاصی بربخورد لزومی ندارد وارد اینکار هاشویم مطابق رأی شعبه یعنی ابطال آراء لواسان بنده جزو سری هستم جزو دوازده نفر هستم بعضی از اوقات دیدم که دلیل آورده بودند که چرا مؤتمن الملك در لواسان رأی نداشته است دلیلش واضح است برای اینکه آن اشخاصی که واقعاً میخواسته اند وکیل شوند مثلا فرض کنیم بنده و آقای دکتر جلال عبده که رفته ایم در لواسانات. خدا میداند که آقای جلال عبده به تمام ده کوره های لواسان و سولقان رفته‌اند و تمام کدخدا ها را می شناسند. این خیلی فرق دارد با آقای مؤتمن الملك که دو مرتبه سه مرتبه در روزنامه اعلان کرده‌اند که من نمیخواهم وکیل شوم و اگر آقایان میگویند که صندوق لواسان خراب است یك عللی از این قبیل دارند انتخابات تهران که میگویند کثیف است بشما قول شرف میدهم که بهترین انتخابات بوده است و دلیلش هم آنست که همان کاندید ها که یکی صد رأی عقب است یکی دویست رأی عقب افتاده است

اگر حقه بازی در کار بود خود این کاندیدها سر و صدایشان بلند میشد ، چون چشمم به آقای دکتر شفق افتاد یادم آمد همان روزهائی که انتخابات تهران تمام شده بود و تقریباً وکلا معلوم شده بودند یکی از پولدارها آمد بمنزل من گفت صندوق را عوض کرده اند گفتم کدام صندوق را گفت صندوق یکی از نواحی شهر را نظرم نیست قنات آباد را گفت یا جای دیگر را گفتم کی عوض کرده است چرا عوض کرده است گفت معلوم است برای این که در آنجا ها آنقدر رأی داشتیم و عوض کرده اند که دیگر رأی نداریم گفتم همین دلیل است که صندوق را عوض نکرده‌اند برای اینکه مردم بشما گفته اند که رأی میدهیم و نداده اند اگر خودت در میآمدی میتوانستیم این حرف را بزنیم ولی فیروزآبادی و دکتر شفق که درآمده اند نمیشود گفت که صندوق‌را عوض کرده‌اند گفت آقا پس خبر ندارید گفتم چی است ؟ گفت چند روز پیش سید محمد صادق طباطبائی پهلوی شاه بوده‌است بلی شاه و آنجا قرار گذاشته اند گفتم شاه طرفدار کی بوده‌است گفت شاه میخواهد دکتر سیاسی و دکتر شفق وکیل شوند (خندهٔ نمایندگان) ملاحظه بفرمائید آقا این اندازه مردم بحرف خودشان اهمیت میدهند و ترمز برای حرف خودشان تاحدی قائل نیستند ملاحظه بفرمائید که شاه واقعاً نمیخواهد برای خاطر دکتر سیاسی و دکتر شفق آبروی خودش را ببرد سید محمد صادق طباطبائی که ۶۰ سال با تقوی و پاکدامنی زندگانی کرده است دامنش را آلوده کند بعلاوه دکتر مرزبان میرزای شیرازی و مردمان دیگر که بودند مگر ممکن بود آقا مردم تابع اقوالند هرچه دهنشان میآید میگویند قوهٔ عقل و منطق و مخصوصاً قوهٔ اخلاق نمیتواند جلوی دهنشان را بگیرد و مانع مزخرف گوئی آنها بشود هرچه که بدهنشان میآید میگویند و من میخواهم مطمئن بکنم آقایان را که صندوق لواسان با سایر صندوق ها فرقی ندارد ما قضایا را از نظر اغراض میسنجیم اگر بپرسید که آقا مثلا شما نسبت بابطال صندوق لواسان موافقید یا مخالفید میگوید اگر فلان کس سیزدهمی باشد موافقم یا مخالفم روی این زمینه آدم نمیشود قضاوت کند ما میخواهیم مملکتی را که مدتهاست دچار بدبختی است اداره کنیم و تمام بدبختی ها و مشقت‌های این ملت را از بین ببریم وقتی که ما فکرمان آنقدر کوچك باشد طرز اخلاقمان و طرز فکرمان آنقدر کوچك باشد که بگوئیم اگر اولی این باشد موافقم و اگر نباشد مخالفم چطور میتوانیم این مملکت را اداره کنیم . فکر کنید آقا اغراض را دور بیندازید با کمال صمیمیت دست بدست هم بدهیم و کار کنیم هی کرم کشی نکنیم که اختلافات حاصل کنیم و برخلاف هم کار کنیم مته بخشخاش نگذاریم چه فایده دارد که یك تشنج و تشتت در این باب تولید کنیم چه فایده دارد؟ دیگر در اطراف این موضوع صحبت نکنیم الآن اگر آقایان اجازه بدهند بنظر بنده راپرت شعبه‌را تجزیه کنیم و باعتبار نامه آقای دکتر مصدق بدون این حرفها رأی بدهیم بعد مال لواسان را هم رأی بدهیم . من واقعاً قول شرف میدهم که اگر ده نفر از شما بخواهید من وکیل نشوم خدا میداند بنده الساعه استعفاء میدهم از وکالت خودم که وکیل نباشم الآن مدتی است که مملکت دچار بحران است یك بحران بچه گانه واقعاً بچه گانه است که الآن دارند برای ما لیست میفرستند که اینها را وزیر بکنید اینها چه چیز است ؟

هاشمی ـ صحیح است .

نایب رئیس ـ آقای طباطبائی .

سید محمد صادق طباطبائی ـ بنده چنانکه درسابق هم عرض کردم حالا هم عرض میکنم مصمم هستم در انتخابات بخصوص پرونده‌های طهران اظهاری نکنم و عرضی که میکنم از لحاظ توضیح است اینجا در اول یك صحبتهائی شد راجع به بنده تعریف شد تمجید شد تعریض شد تقدیس شد همه جور شد بنده نه از تمجیدش تشکر میکنم و نه از تعریضش میرنجم و آنها را هم جواب نمیدهم و نباید هم بدهم مناسب و شایسته جواب نیست و در آن قسمت دیگرش هم که راجع باصل انتخابات است وارد نمیشوم عرض کنم نظر بنده راجع بجریان عمومی انتخابات بود در آن جلسه اشاره شد باجمن لواسان و رئیس

انجمن آنجا خواستم عرض کنم ترتیب انجمن های فرعی چه جور بود و انجمن های اصلی چه بود در بدو امر اعضای انجمن‌های مرکزی دربارهٔ انجمن‌های فرعی مذاکره کردند بعضی از آقایان نظرشان این بود که باید اشخاص بی طرف انتخاب شوند پس از مذاکرات طولانی دیدیم که آن عملی نیست برای اینکه ما برای حوزه ها مجموعاً دویست نفر عضو لازم داریم چطور میتوانیم اشخاص بیطرف پیدا کنیم . دیگری گفت از تمام احزاب و دستجات انتخابی دعوت کنیم و همه شرکت کنند و همه یکدیگر را تحت نظارت قرار دهند این بهتر است لهذا بقدری که خودمان میتوانستیم در نظر گرفتیم و صورت هم از دستجات مختلف و احزاب مختلف گرفتیم و مختلطاً تشکیل دادیم بعدهم آقایان مسبوق هستند که یك قسمتی خسته شدند و استعفا دادند و ما بقدری گرفتار استعفای اجزاء بودیم که میآمدند میدیدند سرد است زمستان است نمیآمدند تا بالاخره متوسل شدیم که از وزارتخانها یکعدهٔ با مسئولیت بما بدهند که اگر غایب شوند بوزارتخانه اطلاع دهیم بدین ترتیب یکی دو سه تا از اینها داخل انجمنها کردیم که از اکثریت نیفتند و این انجمنهای فرعی از کار نیفتند. باین ترتیب توانستیم با یك زحمتی که همه روزه از صبح تا عصر گرفتار کارهای انجمن‌های فرعی بودیم و مخصوصاً شخص آقای دکتر مرزبان و آقای وکیل مشغول بودند و دائماً مراقب بودند که اشخاصی که در شعبه‌های فرعی غائب میشوند یا مستعفی میشوند فوراً یکنفر بجای آنها بفرستند که کار نخوابد . راجع بحومه البته اعضای انجمن اصلی نمیتوانستند تمام معاریف حومه را بشناسند و در اینجا هم مطابق آئین‌نامه و قانون انتخابات نظر فرمانداری مدخلیت تام دارد و آقای سروش که فرماندار بودند حقیقةً کمك زیادی به انجمن کردند بی طرفانه و بیغرضانه زیرا که ایشان یکی از آزادیخواهان قدیم هستند و خیلی متعصب هستند و بنده میخواهم یك چیزی را عرض کنم که اگر آن کمك و مساعدت ایشان نبود نمیتوانستیم کاری بکنیم و کار انجمن مختل بود با ایشان مشورت کردیم ایشان هم خیلی ها را میشناختند بالاخره با کمك ایشان بخشدار را هم خواستیم و گفتیم که از معاریف حومه بما بگویند درشهر هم چندتائی بما معرفی کردند از بین اینها بعد از تحقیقات اشخاصی انتخاب شدند که غالب آنها را اعضاء انجمن نمیشناختند تك و توك را می‌شناختند مثلا خود بنده غیر از کاشف که رئیس انجمن شمیران بود کسی را نمیشناختم رئیس انجمن لواسان بنده نه ایشان را میشناختم و نه دیده بودم در انجمن که ایشان آمدند چون چندروز رفته بودیم بلواسان ایشان را ندیدم ایشان را از خارج تمجید کردند و از لیاقت و صحت عملشان تعریف میکردند بعدهم میدانید رئیس را در انجمن انتخاب میکنند و انجمن مرکزی دخالت ندارد ایشان آنجا انتخاب شدند و بعدهم با یکی از اعضاء اختلاف پیدا کردند سر ریاست و یکی از شکایات لواسان راجع بهمین ریاست آنجا بود . حالا وارد نمیشوم غرض بنده این بود که انجمن هیچ اعمال نظری در لواسان نکرد و خود بنده نه با اعضای انجمن های کوچك و نه باشهر هیچوقت داخل مذاکرات خصوصی نشدم و جز در انجمن‌های عمومی که لازم میشد بنده میآمدم و یك توضیحاتی داده میشد آقایان میآمدند آنجا و بنده با آنها صحبت میکردم و حالا واقعاً آن رئیس انجمن آنطوری که گفتند آمده باشد یك چنین صحبتی کرده باشد البته همه جور صحبت میشود برای تأیید بیانات آقای دشتی عرض میکنم یك شب بنده ساعت ۱۲ خوابیده بودم باسرمای شدید تلفون صدا کرد بنده پا شدم دیدم میگویند من فلان جلالی هستم الان از جلوی شعبه فرعی مقبرهٔ هدایت عبور میکردم دیدم که پاسبانها صندوق را آورده‌اند بیرون گذاشته‌اند و دارند صندوق را باز میکنند که آراء را عوض کنند بنده دیدم چطور چنین چیزی میشود و من تا آنروز نرفته بودم در آن شعبه که به بینم وضع آنجا چطور است گفت میخواهید قبول کنید میخواهید قبول نکنید. گفتم چه کنم در این وقت شب بالاخره به آقای امین الملك که ایشان نزدیکتر بودند تلفن کردم بعد از مدت زیادی که ایشان بیدار شدند بایشان گفتم ایشان عذر آوردند ناچار شدم به مشاور که اهل همان محله بود تلفون کنم آن بیچاره ساعت ۱۲ برخاسته است و رفته است و ساعت یك از حوزه بر گشته است و تحقیق کرده است و به بنده

تلفون کردند که این صندوق در اطاق جدا گانه است و در صندوق مهر وموم است پاسبانها هم اینطرف هستند علاوه بر آن دراطاق هم مهر وموم است شب ها چون سرد است پاسبانها اینطرف جمع میشوند واسبابهایشان رامیگذارند روی میز جلو اطاق صندوق این است که اشتباهی شده است وغرضی در بین نبوده است بنده خیلی از او معذرت خواستم و خیلی خجل شدم که شما را زحمت دادم و گفتم که این کار را اگر ما امشب نکرده بودیم فردا ممکن بود همین مطلب موضوع یك شکایتی بشود که صندوق را عوض کرده اند غرض آن آقا را نشناختم حالا این چه دروغی بود که گفته است؟ نمیدانم خوب شاید اوهم دروغ نگفته باشد دیده است که دور میز جمع شده اند تلفون کرده است البته ازاین حرف ها خیلی زیاد زده میشود انجمن سعی میکرد که یك مدارکی پیدا کند که روی آن رفتار کند و راجع بلواسان هم ما خیلی کوشش کردیم که واقعا یك مدارکی پیدا کنیم فرستادن مفتش، هیئت تفتیشیه اخیر از قضات روی این نظر بود که این ها بتوانند یك مدرکی پیدا کنند که بتوانیم عوض کنیم و تجدید کنیم انتخابات آنجا را بنده آقا هر کس هر چه میخواهد بگوید هیچوقت نظریات شخصی را محل توجه قرار نداده ام بنده همیشه روشم این بوده است که برطبق قانون رفتار کنم ولو دیگران نکنند ولو دیگران مخالف قانون رفتار بکنند وغیر از این هم نبایست دیگران بکنند ولو من مخالف باشم مثلا این قانون انتخابات را بنده سر تا پایش را معیوب میدانم معذالك میل داشتم که ذرهٔ از آن قانون تخلف نشود خواه مخالف باشم خواه موافق و نظر انجمن این بوده است که مطابق همین قانون انتخابات رفتار کنند و سرتاپایش را اجرا کنند حالا اگر کسی مخالف بوده بنده عرضی ندارم و داخل آن قسمت نمی‌شوم واگر آقایان نظرشان این باشد که مخالف قانون شده است مجلس باید قضاوت کند، عرض کنم که قسمت دیگر چند نفر از آقایان وکلاء در آن جلسه و چند نفر هم درخارج مجلس به بنده اعتراض کردند که شما چرا نسبت بآقای فیروزآبادی توضیحی ندادید وخیال کردند که یك علتی داشته است از این جهت خواستم که جریان را عرض کنم بدون اینکه هیچ اظهار نظری نسبت بگزارش انجمن یا گزارش شعبه بکنم از اول همه اینها را واگذار کردم بنظر مجلس هرچه رأی دادند بنده عرضی ندارم علت اینکه کار این طور پیش آمد شد میخواهم عرض بکنم که تمام اعضای انجمن بدون استثناء کمال عدم رضایت را داشتند ومتأثر بودند که چرا این طور پیش آمد شده است ولی این عمل بواسطهٔ قصور خود ایشان شد چرا؟ برای اینکه ما معمولا بتوسط حکومت تهران (فرمانداری) بهمهٔ آقایان اعلام کردیم که قبولی خودشان را اطلاع بدهند منتظر آقایان شدیم حتی بآقای پیرنیا هم اعلام کردیم ایشان چون قبول نکردند شناسنامه نخواستیم بعد ازقبولی آقایان شناسنامه ها را خواستیم حتی خود بنده تاشناسنامه نبردم امضانکردند گفتند میدانیم ولی باید ببینیم بنده فراموش کرده بودم آقای امین الملك بمن تلفن کردند که روز آخر است شناسنامه یادتان نرود بعد منتظر آقای فیروز آبادی شدیم که شناسنامشان رابفرستند ایشان نفرستادند قبولیشان هم بما نرسید گرچه میگویند بعد به فرمانداری داده اند فرماندار که پیش ماهودو فرماندارهم که یك آدم درستکاری است حالا میگویند که بدفتر داده اند آن را نمیدانم آن بایست معلوم شود ما هم تحقیق کردیم معلوم نشد راجع به شناسنامه ایشان نیامدند تا اینکه یکروز آمدند بنده می دانم که دکتر مرزبان با ایشان مذاکره کردند ایشان گفتند که شما مداخله در این کار نکنید با مجلس است آقای دکتر مرزبان گفتند که ما نمی‌توانیم قانوناً این کار رابکنیم زیرا اعتبارنامه درش قید شده و حتی قانون هم قید میکند این هم جزء وظایف ما است حتی این عبارت را بایشان نشان دادند که درخانمه مینویسد که ما شهادت میدهیم که مراتب فوق صحیح است و ندیده چطور شهادت میتوانیم بدهیم پس ناچار باید بفرستید و اعضای انجمن و ما همه آرزومند بودیم که اعتبارنامه ایشان به مجلس بیاید و هیچ احتمال این موضوعرا نمیدادیم که نسبت بشخص ایشان حرفی زده شود

این اواخر هم شکایتی افواهاً رسید که آنرا مورد توجه قرار ندادیم تا اینکه شکایتی رسید و یك سواد مصدق هم از شناسنامه ایشان رسیده بود که هم تمبر داشت و هم مهر آمار را داشت و صادر کننده نوشته بود که آقای سید رضا فیروزآبادی خودشان تقاضا کرده اند و این قضیه سبب شد که ما وارد این کار شویم بعد در انجمن صحبت شد که این آقا شناسنامه از یك ولایتی گرفته اند بنده عرض کردم فرض کنیم این طور باشد شناسنامه برای ما سندیت دارد شناسنامه شانرا که دادند برای ما سند است نظر انجمن این بود بعد گفتند که فردا تا ظهر شناسنامشان را میآورند و تا ساعت دو بعداز ظهر منتظر شدیم ایشان تشریف نیاوردند و اتومبیل یکی از اعضاء که عرض کردم اتومبیلش زیر پای ما بود آقای کاشانیان بنده را میبردند که سر کوچه پیاده شوم بنده بودم و دکتر مرزبان و سروش و ایشان توی خیابان میرفتند آقای سروش پیاده شد گفتند شما چرا آقا امروز تشریف نیاوردید گفتند فردا فردا مامکرر ازایشان استدعا کردیم ومکرر آقای دکتر مرزبان درحضور بنده درغیاب بنده بایشان تلفن کردند که آقا والله ما همه با شما موافقیم شما بیائید یك ترتیبی بدهید که ما این کار را بگذرانیم و تا روز پنجشنبه مجبوریم این کار را تمام کنیم تشریف بیاورید ما موافقیم ایشان نیامدند نمیدانم چه نظری داشتند گفتیم چه کنیم بعد از اداره آمار پرسیدیم از اداره آمار یك صورتی نوشته فرستادند ما بازهم بآن اکتفا نکردیم گفتیم ازمجلس بپرسیم که ما باید چکار بکنیم امضا بکنیم نکنیم اعتبارنامه بدهیم ندهیم اگر بدهیم شاید در مجلس یك صحبتهائی بشود واز مجلس یك سندی فرستادند و بااینحال که ملاحظه میفرمائید مردد بودیم شب آخر از منزل ایشان تلفن کردند که ۵ دقیقه دیگر شناسنامه بشما میرسد گفتند الآن میرسد تاساعت ۸ شب ماندیم بالاخره نیامد وقت رفتن گفتیم خوب این وظیفه قانونی ما است عجالتاً این طور پیش آمده واین مدارك هم سن آقارا اینطور نشان میدهد وبرعکس آنچه که گفته شد آن مدارك این طور بما میفهماند و آن حسابهائی که کردند گرچه همه جواب دارد ولی بنده وارد نمیشوم و ما حساب کردیم ونظر آقای آقا سید هاشم وکیل را خواستیم و بقوانین هم رجوع کردیم بعد دو نفر دیگر که در انجمن بودند گفتند آقا این معطلی ندارد همه رأی بدهید ساعت آخر است بعد مجلس خودش حکومت می کند ایشان هم آن جا ممکن است بعد دلایلشان را بنویسند ماعجالتاً این طور فهمیدیم واین طور رأی میدهیم وحتی ایشان وقتی که آمدند بمجلس بایشان گفتم عوض این که رفتید بمجلس میآمدید این جاو مذاکره میشد وایشان خودشان این کار را کردند والا بنده قول میدهم که تمام آقایان باایشان موافق بودند وحتی یکنفر ازاعضاء انجمن هم نظری نداشته است وتاآنروز آخر ناچارشد انجمن با مدارکی که برایش رسیده بود آنطور رأی بدهد حالا هم آقایان با مدارکی که دیده اند قضاوت خواهند کرد وهرچه رأی آقایان است مطابق وجدانشان رأی میدهند ایشان خودشان نیامدند برای دادن شناسنامه و برای قبولی دادن هیچ یك از این کارها را نکرده اند اعتراضی هم بایشان نمیخواهیم بکنیم. برای این که ممکن است یك نظری داشته باشند وآن نظر را بنده نمیدانم چه بوده است بالاخره اینطور انجمن رابمحظور انداختند برای خودشان برای مجلس برای انجمن اینطور پیش آمد وحالا نمایندگان مجلس چه نظر میگیرند وچه رأی میدهند البته بسته بنظر خود آقایان است (بعضی ازنمایندگان مذاکرات کافی است).

نایب رئیس ـ چند فقره پیشنهاد رسیده است قرائت می شود.

طوسی ـ پیشنهاد مربوط است به آقای فاطمی و اقبال.

اینجانب پیشنهاد میکنم که نسبت به گزارش شعبه و راجع بانتخاب آقای دکتر مصدق و آراء لواسان و سن آقای فیروزآبادی بموجب ماده ۹۹ آئین نامه داخلی بشرح زیر رأی تجزیه گرفته شود. اول راجع به صحت وسقم آراء لواسان ـ دوم راجع بسن آقای فیروز آبادی ـ سوم راجع بصحت انتخاب آقای دکتر مصدق ازطهران

نایب رئیس ـ آقای اقبال

اقبال ـ عرض کنم این پیشنهاد از طرف آقای فاطمی تنظیم شده بود ولی چون ایشان امروز کسالت داشتند و تشریف نیاورده بودند به بنده تلفون کردند و بنده هم امضاء کردم عرض کنم این پیشنهاد تجزیه مطابق ماده ۹۹ یك امر طبیعی است واما چرا از آنجا نوشته شده است اول بموضوع لواسان و دوم راجع به آقای فیروز آبادی و سوم راجع به آقای مصدق السلطنه چون خبر کمسیون این طور است اول راجع بلواسان نوشته شده .

نایب رئیس ـ آقای اسکندری شما مخالف هستید با این پیشنهاد ؟

اسکندری ـ بلی بنده مخالفم و میخواهم بگویم که راجع بسن آقای فیروز آبادی نمیشود رأی گرفت برای اینکه اعتبار نامه ایشان داده نشده و رأی مجلس مطابق اعتبار نامهٔ است که بهر کسی داده میشود و بنظر بنده آلان هم که سن ایشان در محکمه مطرح است بالاخره اگر مجلس هم رأی بدهد که ایشان هفتاد سال ندارند رأی مجلس تأثیری در رأی محکمه ندارد .

نایب رئیس ـ پیشنهاد دیگری هم دراین موضوع رسیده است که برای اطلاع مجلس قرائت میشود پیشنهاد آقای کاظمی پیشنهاد میکنم که موضوع سن و وکالت آقای فیروز آبادی تا صدور حکم قطعی دادگاه از دستور خارج شود .

نائب رئیس ـ آقای هاشمی هم پیشنهاد اولیه را تأئید کرده اند راجع بتفکیك ـ پیشنهاد آقای هاشمی بنده پیشنهاد میکنم موضوع لواسانات با موضوع آقای فیروز آبادی ازهم تفکیك شود .

نایب رئیس ـ آقای هاشمی ـ

هاشمی ـ بنده اصلاً با فرمایش آقای اسکندری در این قسمت موافقم اول راجع بلواسانات رأی بگیرید بعدهم راجع بنمایندگی آقای دکتر مصدق که این موضوع ها مخلوط نشود و وقت مجلس گرفته نشود (نمایندگان ـ صحیح است)

نایب رئیس ـ تجزیه این پیشنهاد مطابق آئین نامه است و مخالفتی ندارد یك پیشنهاد دیگری هم راجع بترتیب اخذ آراء رسیده است آقای نراقی .

نراقی ـ بنده عرض دارم این نظر شاهزاده اسکندری صحیح نیست پیشنهاد میکنم که راجع بسن آقای فیروز آبادی رأی گرفته شود (زنك نایب رئیس)

نایب رئیس ـ این مطرح نیست پیشنهاد دیگری رسیده است . خوانده میشود :

پیشنهاد میکنم راجع بصحت آراء لواسانات رأی مخفی گرفته شود که متضمن ردخبر شعبه باشد . جمال امامی ـ امیر تیمور ـ ملایری ـ تهرانی ـ شجاع ـ فاطمی ـ طباطبائی ـ طوسی ـ عماد تربتی ـ فرود ـ اقبال ـ تجدد ـ اردلان سیف پور فاطمی ـ سالار سعید سنندجی ـ دولت آبادی

نایب رئیس ـ آقای اقبال

اقبال ـ بنده استدعا میکنم که مقام ریاست توجه بفرمایند چون موضوع خیلی دقیق است و اعلام رأی را طوری بفرمایند که درمهره سیاه وسفید اشتباهی رخ ندهد .

نایب رئیس ـ اعلام رأی میکنیم آقایانی که باخبر شعبه موافق هستند یعنی بالغو آراء لواسانات مهره سفید میدهند و اشخاصی که باخبر شعبه مخالف هستند و آراء لواسان را صحیح میدانند مهره سیاه میدهند (نمایندگان صحیح است) توجه فرمودند آقایان (همهمه نمایندگان ـ زنگ نایب رئیس) (نراقی آقایان نمایندگان طهران حق دادن رأی ندارند ماده ۶ را استدعا میکنم قرائت بفرمائید که نمایندگان درباره انتخاب خودشان نمی توانند رأی بدهند)

نایب رئیس ـ ماده شش نظامنامه خوانده میشود .

ماده ششم ـ نمایندگانی که هنوز صحت و سقم انتخاباتشان محقق نشده است حق نطق ودادن رأی را دارند ولی چه درشعبه و کمیسیون وچه در مجلس درمورد انتخاب خودشان نمی توانند رأی بدهند وطرح قانونی هم نمی توانند پیشنهاد کنند ـ درصورتیکه پذیرفتن نمایندهٔ بموجب رأی مجلس بعهده تعویق افتاده باشد نماینده مزبور درهیچ امری

حق دادن رأی ندارد (همهمه نمایندگان)

نایب رئیس ـ خواهش میکنم که رعایت نظم را بفرمایند یك مطلب حساس ودقیقی است وباید ازش نتیجه گرفته شود آقای اقبال .

اقبال ـ عرض کنم که این ایراد آقای نراقی وارد نیست آراء لواسان در مورد نه نفر یا ده نفر اصلاً مؤثر نیست یعنی چه این آراء لواسان تصویب شود و چه تکذیب شود آنها نماینده هستند بنابراین این ماده تطبیق نمی کند یعنی این رأی در مورد خودشان نیست و یك رأی کلی است نسبت به آراء لواسان

نایب رئیس ـ آقای نقابت .

نقابت ـ مطابق نظامنامه اگر تصویب اعتبارنامه یك نماینده بموجب رأی مجلس تأخیر شده باشد آن نماینده حق رأی ندارد البته مجلس هنوز که نسبت باعتبارنامه آقای دشتی یا آقای دکتر عبده ویا آقای دکتر شفق مخالفت نکرده است و بنا برأی مجلس تأخیر نشده است (یکی از نمایندگان تأثیر دارد) به تأثیر کاری ندارم تفسیر ماده قانون راهم کاری ندارم صراحت ماده قانون این طور است که اگر اعتبارنامه یك نماینده بموجب رأی مجلس تأخیر شده است آن نماینده حق رأی ندارد و این یك مطلب خارجی است که راجع به یك صندوقی است که باید رأی گرفته شود

نایب رئیس ـ استنباط خود بنده هم این است همانطور که استدلال شد این مربوط به اعتبار نامه یکی از آقایان نیست و این مربوط به یك امر کلی است آن مطلب مربوط بوقتی است که با اعتبار نامهٔ مخالفت شود و این مربوط بمخالفت با اعتبار نامه نیست و نظامنامه هم صراحت دارد خوب است که آقایان موافقت بفرمایند که اخذ آراء بعمل آید و تکلیف حقیقی معلوم شود (نمایندگان ـ صحیح است) آقای اقبال .

اقبال ـ خواهش میکنم ترتیب رأی دادن را یك مرتبه دیگر بفرمایند برای اینکه آقایان اشتباه نکنند .

نایب رئیس ـ برای دفعه سوم تکرار میکنم آقایانیکه باخبر شعبه موافق هستند یعنی بالغو آراء لواسانات مهره سفید میدهند واشخاصی که باخبر شعبه مخالف هستند و آراء لواسان را صحیح میدانند مهره سیاه میدهند .

(اخذ و استخراج آراء بعمل آمد)

مهره تفتیشیه ۸۸ مهره سفید ۳۸ مهره سیاه ۵۰ .

نایب رئیس ـ راجع بسن آقای فیروز آبادی پیشنهادی شده است (بعضی از نمایندگان ـ رأی را اعلام بفرمائید) نتیجه رأی این است که خبر شعبه راجع به ابطال آراء لواسان رد شد راجع بسن آقای فیروز آبادی پیشنهادی شده است آقای نقابت .

نقابت ـ بنده تذکر نظامنامهٔ دارم ـ راجع بسن آقای فیروز آبادی حالا نمیشود رأی گرفت زیرا آقای تهرانی بعلت اینکه آقای فیروز آبادی رفته اند ایشان تشریف آورده اند و موقعی که اعتبارنامه ایشان مطرح است آنوقت مذاکره میشود .

نایب رئیس ـ آقای اقبال .

اقبال ـ عرض کنم که این نظر آقای نقابت صحیح است درموقعی که خبر شعبه راجع به آقای طهرانی مطرح میشود آنوقت باید صحبت شود ولی حالا خبر شعبه مربوط باعتبارنامه آقای تهرانی نیست .

نایب رئیس ـ آقای دکتر معظمی .

دکتر معظمی ـ ممکن است جمع بین هردو نظر را کرد چون در خبر شعبه آقای فیروز آبادی را نفر چهارم نوشته اند ممکن است به نفر چهارم که رسیدیم این موضوع مطرح شود

نایب رئیس ـ آقای دشتی .

دشتی ـ همانطوریکه عرض کردم باید برویم بحل قضایا و این راپرت شعبه را تجزیه کنند یك قسمت راجع بلواسان بود که وضعیتش معلوم باشد ویك قسمت هم راجع باعتبارنامه آقای دکتر مصدق است که باید رأی گرفته شود و راجع بآقای فیروز آبادی بنظر من مسکوت عنه بگذاریم برای اینکه الآن مطرح نیست و بعداز آنکه جریان و منظره انتخابات طهران را شعبه راپرت داد وبرای آقای فیروز آبادی شعبه باید راپرتی مستقیم بیاورد تا نسبت به طهرانی و سن آقای فیروز آبادی ترتیبی بدهد وبدون راپرت نمیشود کاری

کرد و دیگرهم منظورم راجع بسایر وکلای تهران بود که درآنهائی که‌درشان تردیدی نیست آنهارا مقدمةً تکلیفشان را معلوم کنید بعدهم گزارش مربوط بآقای فیروزآبادی را بیاورید مطرح میشود و مذاکره میشود .

نایب رئیس ـ نظرمجلس این است که راجع بسن آقای فیروزآبادی درموقع‌خودش مطرح‌شود فعلاً گزارش مربوط به‌آقایان‌نمایندگان‌طهران‌خوانده میشودآقای دکتر زنگنه

(آقای دکتر زنگنه مخبر شعبه اول گزارش نمایندگی آقای دکتر مصدق را بشرح زیر قرائت نمودند)

جریان انتخابات تهران بقراری است که بعرض رسیده جناب آقای‌دکتر محمدمصدق‌درهرصورت‌یعنی‌باآراءِلواسانات یابدون‌آن در درجه اول‌حائز اکثریت بوده‌اند وهیچگونه اعتراضی‌نسبت‌بانتخاب ایشان بانجمن یا بمجلس‌شورای‌ملی نرسیده‌است واعتبارنامه‌برای‌نمایندگی‌طهران درچهاردهمین دوره قانونگزاری بنام‌ایشان صادر گردیده شعبه اول باتفاق آراء صحت انتخاب جناب آقای دکترمحمدمصدق‌را تصدیق و برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد میکند .

نایب رئیس ـ رأی گرفته میشود بنمایندگی آقای دکتر مصدق از تهران آقایان موافقین قیام نمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد . آقای دکتر زنگنه .

(آقای‌دکتر زنگنه‌مخبرشعبه اول گزارش‌نمایندگی جناب‌آقای‌سیدمحمدصادق طباطبائی را بشرح زیر قرائت نمودند)

جریان انتخابات طهران بقراری است که گزارش شده است : جناب‌آقای‌سید محمد صادق طباطبائی آراءلواسانات دارای ۱۶۸۵۶ رأی و بدون آن دارای ۱۵۰۶۵ رأی یعنی درهرصورت در درجه دوم‌حائز اکثریت بوده‌اند و چون نسبت بانتخاب ایشان هیچگونه اعتراضی بانجمن نرسیده اعتبارنامه برای نمایندگی طهران در چهاردهمین دورهٔ قانونگزاری بنام ایشان صادر شده است چون هیچگونه اعتراضی‌هم راجع بانتخاب ایشان بمجلس شورای‌ملی‌واصل نگردیده شعبه اول باتفاق آراءِ صحت انتخاب جناب آقای سید محمد صادق طباطبائی‌را تصدیق و برای تصویب‌بمجلس شورای ملی پیشنهاد میکند .

نایب رئیس ـ رأی گرفته میشود بنمایندگی آقای آقا سید محمد صادق طباطبائی از تهران آقایان موافقین برخیزند(اکثر برخاستند) تصویب شد آقای دکترزنگنه

آقای دکتر زنگنه مخبر شعبه اول گزارش نمایندگی آقای دکتر رضازاده شفق را بشرح زیرقرائت نمودند)

انتخابات طهران بشرحی که گزارش شده است جریان یافته ـ آقای دکتر رضا زاده شفق در مجموع آراء طهران دارای ۹۲۰۰ و بدون احتساب ۱۸۸ رأی که در لواسانات داشته‌اند دارای ۷۱۱۲ رأی و حائز اکثریت بوده‌اند چون نسبت بانتخاب ایشان هیچ گونه اعتراضی‌بانجمن یا بمجلس شورای ملی نرسیده واعتبارنامه بنام ایشان برای نمایندگی تهران درچهاردهمین دوره قانون گزاری صادرشده است شعبه اول باتفاق آراء صحت انتخاب آقای دکتر رضا زاده‌شفق‌را تصدیق و برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد می کند .

نایب رئیس ـ رأی گرفته‌میشودبنمایندگی‌آقای‌دکتر رضا زاده شفق از تهران آقایان موافقین برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد . آقای دکترزنگنه

(آقای دکتر عبدالحمید زنگنه مخبر شعبه اول گزارش نمایندگی آقای دکتر جلال عبده را بشرح زیر قرائت نمودند)

بقراریکه گزارش شده است انتخابات طهران صورت گرفته ـ در نتیجه آقای دکتر جلال عبده درمجموع‌آراء با ۹۹۵۳ رأی و بدون احتساب ۱۹۴۸ رأی که درلواسانات داشته‌اند با ۸۰۰۵ رأی حائز اکثریت بوده‌اند ـ چون شکایاتی که نسبت بانتخاب ایشان بانجمن رسیده بودموجه تشخیص نگردیده اعتبارنامه بنام ایشان برای نمایندگی‌در چهاردهمین دورهٔ قانونگزاری صادر شده است نظر باین که هیچ گونه اعتراضی‌هم نسبت بایشان به مجلس شورای ملی نرسیده است شعبه اول باتفاق‌آراء صحت انتخاب‌آقای‌دکتر

جلال عبده را تصدیق و برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد میکند .

نایب رئیس ـ رأی گرفته میشود بنمایندگی آقای دکتر جلال عبده از تهران آقایان موافقین برخیزند(اکثر برخاستند) تصویب شد . آقای دکتر زنگنه

(آقای دکترزنگنه مخبر شعبه اول گزارش نمایندگی آقای سید احمد بهبهانی‌را بشرح زیر قرائت نمودند)

جریان انتخابات تهران بقراری است که بعرض رسیده آقای‌سیداحمدبهبهانی درمجموع‌آراء ۸۶۵۸ رأی‌بوده و بدون احتساب ۵۹۶ رأی که درلواسانات داشته‌اند با ۸۰۶۲ رأی حائز اکثریت بوده‌اند چون نسبت بانتخاب ایشان‌اعتراضی بانجمن یا بمجلس شورای ملی نرسیده و اعتبارنامه بنام ایشان برای نمایندگی مجلس شورای ملی صادر گردیده است شعبه اول باتفاق آراء صحت انتخاب آقای سید احمد بهبهانی را تصدیق و برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد میکند .

نایب رئیس ـ رأی گرفته میشود بنمایندگی آقای آقاسیداحمد بهبهانی از تهران آقایان موافقین برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد . آقای دکتر زنگنه

(آقای دکتر زنگنه مخبر شعه اول گزارش نمایندگی آقای‌علی‌دشتی‌را بشرح‌زیر قرائت نمودند)

انتخابات‌تهران بترتیبی که‌در گزارش‌اولیه بعرض مجلس شورای ملی رسیده است انجام یافته ـ در نتیجه آقای علی دشتی درمجموع آراء دارای ۸۸۸۸ و بدون احتساب ۱۸۹۰ رأی که در لواسانات داشته‌اند دارای ۷۹۹۸ وحائز اکثریت بوده اند ـ چون نسبت بایشان اعتراض موجهی بانجمن یا بمجلس شورای ملی نرسیده است و اعتبار نامه برای نمایندگی طهران در چهاردهمین دوره قانون گزاری بنام ایشان صادر شده است شعبه اول باتفاق آراء صحت انتخاب آقای علی دشتی‌را تصدیق و برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد میکند .

نایب رئیس ـ رأی گرفته میشود بنمایندگی آقای علی دشتی از تهران آقایان موافقین برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد . آقای دکتر زنگنه

(آقای دکترزنگنه مخبر شعبه اول گزارش‌نمایندگی آقای عباس مسعودی‌را بشرح زیر قرائت نمودند)

شرح جریان انتخابات طهران بقراری است که بعرض رسیده ـ در نتیجه آقای عباس مسعودی با ۸۵۴۸ رأی و بدون احتساب آراء لواسانات یعنی باکسر ۱۰۰۵ رأی‌با ۷۵۳۳ رأی حائز اکثریت بوده‌اند چون اعتراض موجهی نسبت بانتخاب ایشان بانجمن نرسیده وبمجلس شورای‌ملی هم هیچگونه اعتراضی نسبت بایشان واصل نگردیده و اعتبار نامه برای نمایندگی طهران در چهاردهمین دوره قانونگزاری صادر شده است .

شعبه اول باتفاق‌آراء صحت انتخاب آقای عباس‌مسعودی را تصدیق وبرای تصویب مجلس‌شورای ملی پیشنهاد میکند.

نایب رئیس ـ رأی گرفته میشود بنمایندگی آقای عباس مسعودی از طهران آقایان موافقین برخیزند ؟(اکثر برخاستند) تصویب شد . آقای دکترزنگنه

(آقای دکترزنگنه مخبر شعبه اول گزارش‌نمایندگی‌آقای مهندس غلامعلی فریور را بشرح زیر قرائت نمودند)

جریان انتخابات تهران بقراری است که گزارش شده ـ آقای مهندس غلامعلی فریور با ۸۵۲۴ رأی درمجموع آراء تهران و باکسر ۱۱۲۷ رأی که ازلواسانات داشته‌اند با ۷۳۹۷ رأی حائز اکثریت بوده‌اند ـ چون اعتراض‌موجهی بانتخاب ایشان بانجمن نرسیده و بمجلس شورای ملی هم هیچگونه اعتراضی نسبت بانتخاب ایشان نشده وانجمن بنام ایشان اعتبارنامه برای نمایندگی تهران درچهاردهمین دورهٔ قانون گزاری صادر کرده است شعبه اول باتفاق آراء صحت انتخاب‌آقای مهندس غلامعلی فریور را تصدیق و برای تصویب مجلس شورای ملی پیشنهاد میکند .

سیف پور فاطمی ـ بنده مخالفم .

نایب رئیس ـ بجلسهٔ بعد موکول میگردد . گزارش دیگری است خوانده میشود .

(آقای دکتر زنگنه مخبر شعبه اول گزارش نمایندگی آقای رضا تهرانچی را بشرح زیر قرائت نمودند)

جریان انتخابات تهران بعرض رسیده است در نتیجه آقای رضا تهرانچی با ۷۶۹۲ رأی در مجموع آراء ۶۶۱۳ رأی بدون احتساب ۹۷۹ رأی که در لواسانات داشته اند حائز اکثریت بوده‌اند ـ چون نسبت بانتخاب ایشان هیچگونه اعتراضی بانجمن یا بمجلس شورای ملی نرسیده و اعتبارنامه برای نمایندگی طهران درچهاردهمین دوره قانون گزاری بنام ایشان صادر شده است شعبه اول باتفاق آراء صحت انتخاب آقای رضا تهرانچی را تصدیق و برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد میکند .

نایب رئیس ـ رأی گرفته میشود بنمایندگی آقای رضا تهرانچی ازتهران، آقایان موافقین برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد . راجع به موضوع آقای فیروزآبادی موکول میشود بجلسه بعد که تبادل نظر شود .

[۴ ـ موقع ودستورجلسه بعد ـ ختم جلسه]

جلسه آینده روز دوشنبه چهاردهم فروردین‌ماه سه ساعت پیش‌ازظهر دستور هم انتخاب هیئت رئیسه .

(مجلس یکساعت ونیم بعد از ظهرختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی ـ ملک‌مدنی